کتاب زندگی مجید حدادعادل به چاپ دوم رسید

کتاب «در فاصله دو بوسه» نوشته غلامعلی حدادعادل توسط انتشارات شهید کاظمی به چاپ دوم رسید.

«در فاصله دو بوسه: شرح زندگی و شهادت مجید حدادعادل» است. این کتاب که به قلم برادر شهید یعنی غلامعلی حدادعادل نوشته شده، زندگی شهیدی را از دوران تولد تا شهادت و پس از آن شرح می‌دهد که رابطه عاطفی محکمی با هم داشتند و بسیار به هم نزدیک بودند.

اما این صمیمیت باعث نشد تا نویسنده بخواهد از برادر خود یک بت بسازد؛ بلکه او برای نگارش این کتاب از مستندات مختلفی استفاده کرده است که نمونه‌های بسیاری از آن را در کتاب مشاهده می‌کنیم. بنابراین ما با یک اثر کاملا مستند روبه‌رو هستیم؛ یک اثر مستند از زندگی شهیدی که برهه‌های مختلف زندگی او درسی است برای ما تا دچار روزمرگی زندگی این روزها نشویم.

نقش او در مبارزات روزهای منتهی به انقلاب در انگلستان، تا غائله کردستان در سال ۵۸ و سپس حضور در جبهه‌های نبرد علیه دشمن بعثی غیرقابل انکار است.

کتاب در فاصله دو بوسه نوشته غلامعلی حدادعادل به‌تازگی از سوی انتشارات شهید کاظمی در ۵۶۰ صفحه و قیمت ۲۰۰ هزار تومان چاپ شده است.

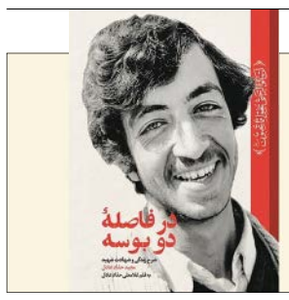

جام جم
فرهنگ
CULTURE
۹
سه‌شنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۲ شماره ۶۶۵۰

یک بدون نقشه‌راه

سینما ضد استراتژیک

امروزه نیز بسیاری از اهداف سیاسی و فرهنگی کلان کشور نه تنها در سینما مدنظر تولیدکنندگان قرار نمی‌گیرد بلکه گاه ضدآن عمل می‌شود. مسائل کلانی مانند اقتصاد مقاومتی تعارض منافع با کشورهایی مانند آمریکا و انگلیس، فرزندآوری و... که به صورت علنی سینمای رسمی کشور که با مجوز و امکانات جامعه دست به تولید می‌زند، به تمسخر این اهداف کلان می‌پردازد؛ این امر ریشه‌های عمیق در گذشته نظام آموزشی ساختارهای تولید سینمایی و شیوه‌های مدیریتی دارد که شناخت دقیق آن به تدارک راهکارهای لازم برای رفع موانع و تغییر شیوه‌ها و طراحی‌های مدیریتی سینمای ایران کمک می‌کند.

غرق در دردرام‌های گیشه‌ای

علت‌العلل این کژتابی سینما در قبال ارزش‌ها، هنجارها و راهبردناپذیری در این زمینه، اقتضائات درام گیشه‌ای است؛ چراکه ایجاد جذابیت برای مخاطب گیشه، هدف اصلی سینما و سریال‌های شبکه خانگی شده‌است. حتی هنرمند تلویزیون هم برای بقای خود ناگزیر از همین جذابیت است. از یک سو ساختار کلاسیک سینما که مبتنی بر درام است اگر واجد خلاقیت و بداعت خاص درام باشد، می‌تواند جذابیتی که لازمه سینماست در خود داشته باشد و از سوی دیگر هنرمندی که نمی‌تواند به وصال شاهد هنر دست یابد، بی‌هنری در پیش گرفته و از دام‌های جذابیت غیر دراماتیک برای جذب مخاطب بهره می‌برد؛ در نتیجه درامی خلق می‌شود که تنها نام مناسب برای آن درام گیشه‌ای است. هدف درام در تعریف کهن آن ایجاد کاتارسیس و پالایش روانی مخاطب است اما در درام جدید چنین هدفی رنگ می‌بازد و تنها هدف موجود کمیت تماشاگر یک اثر است. سینماگر برای ادامه حیات خود لاجرم باید در گیشه و جذب تعداد تماشاگر بیشتر موفق باشد. اما مسأله‌مندی معارض هدف اصلی وی است. از طرف دیگر سینماگر مسأله‌مند در ساختار فعلی سینمای ایران چه در سینمای دولتی و چه بخش خصوصی از چرخه خارج و خانه‌نشین می‌شود به یاد بیاوریم سینماگران مسأله‌مندی مانند حبیب... بهمنی، علی غفاری، امرا... احمدجو، محمدرضا آهنج، سیدرحیم حسینی، جواد اردکانی و دیگران را که تنها به جرم کم‌فروش‌بودن فیلم‌هایشان، خانه‌نشین شده‌اند و فیلمسازان کم مایه‌ای را که تنها به خاطر فروش‌های میلیاردی همواره در حال تولید آثار ضعیف و گیشه‌ای هستند، زمام تولید القائات هنجارها و ارزش‌ها را به دست گرفته‌اند و برایشان مسأله ای به نام راهبردهای نظام جمهوری اسلامی مطرح نیست. این دسته اگر سفارشی هم بگیرند، سفارش موضوعی گرفته و در کلیت اثر به یک موضوع می‌پردازند و بس.

کمبود گفتمان نظری و جای خای آوینی‌ها

یک ارزش اجتماعی برای این‌که به مسأله هنرمند تبدیل شود باید به اندازه کافی محتوای فکری و فرهنگی داشته باشد. صرف وجود و اعلام ارزش‌ها توسط یک ساختار اجتماعی یا حکومتی نمی‌تواند پشتوانه تولید گفتمان باشد؛ بلکه می‌بایست آن ارزش با تولید محتوای عمیق و گسترده به مسأله هنرمند تبدیل شود که اگر این اتفاق رخ ندهد، صرف سفارش نمی‌تواند به تولید اثر مناسب بینجامد؛ لذا حیاتی‌ترین اقدام برای نیل به سینمای استراتژی، پذیرش تولید گفتمان هنری و سینمایی در بستر اندیشه انقلاب اسلامی ایران و فرهنگ تراز ایرانی اسلامی است؛ این گفتمان می‌بایست نقطه واصل تفکر و حکمت انقلاب اسلامی با هنر باشد.

در انتهای دهه ۶۰ و ابتدای دهه ۷۰ شخصیتی مانند شهید سیدمرتضی آوینی در عرصه سینما و هنر با نگارش مقالاتی در مجله سوره سعی در بسط و گسترش اندیشه انقلاب اسلامی در قالب گفتمان هنری داشت و آثار به جامانده از ایشان بخشی از معدود آثاری است که در این زمینه در دست ماست؛ صاحبنظران مانند مرحوم محمد مددپور و مرحوم سیدحسن حسینی نیز یکی در حوزه فلسفه هنر و دیگری در عرصه ادبیات ادامه‌دهنده راهی بودند که شهید آوینی در پیش گرفته بود اما هر دو عزیز رخ در نقاب خاک کشیدند و اندک‌اندک پژوهش‌ها و تألیفات بنیادین در زمینه گفتمان هنری انقلاب از رونق نشر افتاد و امروزه علی‌رغم وجود نهادهای فعال در زمینه هنر انقلاب اسلامی، خبری از فعالیت‌های اثرگذار کلان در این زمینه نیست.

نگاه تک ساحتی

پیش از آن‌که مدرنیسم تمام وجوه زندگی بشر را دربرگیرد دانشمندان سعی در یادگیری شاخه‌های مختلف علوم و کسب نگاه جامع به جهان داشتند. مدیران و حاکمان نیز چنین می‌کردند. حکام بزرگ در اغلب علوم تحصیل کرده و با هنرهای مختلف آشنایی داشتند ولااقل در یک هنر ورزیده بودند. هنرمند بزرگی اگر قرار بود اثری را تولید کند نگاهی جامع‌الاطراف به دین، فرهنگ، آداب و رسوم و علوم مختلف داشت. نمونه بارز این جامعیت اشعار حافظ و مولاناست که نشان‌دهنده تسلط شاعر بر علوم و معارف مختلف است؛ اما با پیدایش مدرنیته و تخصصی‌شدن مشاغل و رشته‌های دانشگاهی انسان‌ها نه‌تنها به‌دنبال کسب علوم مختلف نبودند بلکه در رشته علمی خود هم تخصص و شاخه‌ای را پیش گرفته و در یک شاخه خاص دارای تخصص شدند اما چیزی که در این میان فراموش شد این بود که انسان‌ها با این نگاه در زندگی و معارف دینی و فرهنگی نیز خود را از جامعیت گذشته بی‌نیاز دیده و تبدیل به ماشین‌هایی شدند که فقط یک کار را به‌صورت کامل و دقیق انجام می‌دادند. هنرمندان و مدیران فرهنگی امروزی نیز به اقتضای زمانه نگاه تک‌ساحتی دارند؛ لذا جامعیتی که لازمه سینمای فرهنگ‌ساز و استراتژیک است در آثار سینمایی و تلویزیونی مشاهده نمی‌شود. مرحوم علی حاتمی شاید آخرین نفر از نسل هنرمندان جامع‌الاطراف سینما بود که هم فرهنگ ایرانی و هم فرهنگ اسلامی را می‌شناخت و در آثارش اغلب اجزا از طراحی لباس و گریم گرفته تا موسیقی همه در راستای فرهنگ اصیل ایرانی البته با نگاه ویژه حاتمی بود؛ درحالی‌که بسیاری از کارگردانان حتی انقلابی و مؤمن امروزی نگاه تک‌ساحتی به فرهنگ ایرانی اسلامی دارند. به‌طورمثال موضوع آثارشان یکی از دغدغه‌های نظام است ولی در طراحی لباس پیرو جامعه هستند نه مؤلف سبک پوششی جدید یا درحالی‌که یک اثر سینمایی سبک زندگی و فرهنگ ایرانی-اسلامی را روایت می‌کند در موسیقی تیتراژ از سبک پاپ و ترانه عامه‌پسند مروج نگاه پاپیولار غربی بهره می‌برد.

فقدان روش قواعد و قوانین

با همه آنچه گفته شد وظیفه دولت و سیاست‌گذاران سینما به قوت خود باقی است. این دولت‌ها هستند که با برنامه‌ریزی تربیت نیرو، وضع قوانین و قواعد و نظارت، اهداف راهبردی جامعه را در این عرصه جاری می‌کنند؛ اما در سینمای امروز ایران تنها کارکرد دولت نظارت است آن‌هم نظارت بر ممنوعه‌های شرعی، عرفی و سیاسی که البته همین نظارت هم در راستای نگاه استراتژیک به سینماست اما آیا همان‌گونه که سینما در عصر پهلوی رقص از نوع کاباره‌ای و مستهجن را به‌عنوان یک جزء جدایی‌ناپذیر فرهنگ ایرانی وارد و ترویج کرد سیستم نظارتی امروز سینمای ایران می‌تواند یک ارزش یا انگاره مهم را به‌عنوان جزئی از فرهنگ ایرانی جا بیندازد؟ بدون شک با این حجم از ناهماهنگی و ناهمگونی در میان سینماگران، سرمایه‌گذاران و تصمیم‌سازان سینما چنین امری محقق نخواهد شد؛ همان‌گونه که در این سال‌ها مفاهیمی مانند اقتصاد مقاومتی، جوان‌سازی جمعیت و ... نتوانسته از کانال سینما ترویج شود.

غیر از نظارت و ممیزی باید قواعد و قوانینی در سینما وضع شود که با اهرم‌های حمایتی و نظارتی، فیلم‌های سینمایی و سریال‌ها به صورت طراحی شده بتوانند اهداف کلان ارزش‌ها و طرح‌های مهم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در بین مخاطبان ترویج کنند. این امر نیازمند شیوه و مدل اجرایی مطابق با سینمای امروز و ساختار خاص و روزآمد آن است؛ امری که در کلام، طرح آسان و در اجرا سخت و نزدیک به ممتنع است اما برنامه‌ریزی آموزش، کادرسازی تولید اندیشه و محتوا و رها کردن برخی ممیزی‌های ظاهرنگرانه و تمرکز بر محتوا می‌تواند در آینده‌ای نزدیک چنین امری را در سینمای ایران ممکن بسازد.

دولت‌ها هستند که با برنامه‌ریزی تربیت نیرو، وضع قوانین و قواعد و نظارت، اهداف راهبردی جامعه را در سینما جاری می‌کنند

سرمایه‌گذاری مادی و معنوی

پس از دهه ۶۰ که دهه طلایی سینمای همراه با انقلاب اسلامی بود کم‌کم تمرکز دولت سازندگی و صداوسیمایی که همراه و همسوی دولت بود از امور مختلف فرهنگی و هنری به سمت اقتصاد و اقتصاد هنر جلب شد و به‌تدریج سرمایه‌گذاری و حمایت دولت از سینما و سایر رشته‌های هنری برداشته شد. این اتفاق همزمان با اوجگیری بی‌رویه خصوصی‌سازی در کشور رخ داد و انگار دولت عزمش را جدی کرده بود که فرهنگ اندیشه و هنر را نیز خصوصی سازی کند در نتیجه این امر سرمایه‌گذاری در سینما نیز کمرنگ شده و سیاست‌گذاری و هدایتگری در اختیار بخش خصوصی افتاد و بخش خصوصی نیز هدفی جز گیشه نداشت، لذا به‌جای فرهنگ‌سازی دنباله‌روی فرهنگ موجود و گاهی فرهنگ قشر خاکستری و متوسط شهری شد و در نتیجه سینما هر روز از اهداف کلان دورتر شد و برگشت به همان نقطه عزیمت. یعنی وضعیت سینمای دهه ۶۰ بسیار هزینه‌بر است و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف ازجمله آموزش و کادرسازی را می‌طلبد.



برش

سینما و اهداف کلان فرهنگی و اجتماعی

در تمام جهان به‌رغم شعارهایی که در ظاهر تعارض هنر و سیاستمداران را نشان می‌دهد، سینما به‌عنوان یک هنر ـ صنعت مدرن به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف کلان فرهنگی و اجتماعی به کار گرفته می‌شود اما شیوه استخدام سینما برای این امور متفاوت است، گاهی به صورت آشکار و موضوع محور است و گاهی به صورت پنهان و برآیند محور، یعنی برآیند و تأثیر یک فیلم در مخاطب هدفگذاری می‌شود اما این اتفاق در سینمای ایران رخ نمی‌دهد و حتی در اغلب موارد ضد این امر در پیش گرفته شده و سینما به مأمن ترویج افکار، افعال و انگاره‌های ضد تفکر رسمی کشور تبدیل شده است.

امروزه سبک زندگی پوشش، جهان‌بینی، سلوک اجتماعی و اخلاقی مورد ترویج در سینمای بخش خصوصی در طول سبک زندگی و فرهنگ پاپیولاری هست که غرب ترویج می‌دهد. سینمای امروز ایرانی بر ضد اندیشه رسمی جامعه فعالیت می‌کند و چون نتیجه یک فرآیند طبیعی و خزنده دوری سینماگران از آرمان‌های انقلاب و اسلام است به‌راحتی قابل اصلاح نیست مگر این‌که طی یک فرآیند بلند مدت و تربیت نسل همراه با این آرمان‌ها و حمایت مادی و معنوی از این نسل در آینده به سمت سینمای استراتژیک یا سینمای همراه با استراتژی و راهبردهای کلان کشور حرکت کرد. منظور از سرمایه‌گذاری تنها سرمایه‌گذاری مادی نیست بلکه سرمایه‌های رسانه‌ای و فرهنگی نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردارند. غیر از سفارش اثر یا حمایت و مشارکت در تولید، حمایت در مرحله پس تولید یعنی سرمایه‌گذاری برای فروش بهتر و تضمین موفقیت آثار هنری و سینمایی نیز ارزش حیاتی دارد، چراکه هنرمندان آثاری که موفقیت گیشه و جشنواره را به دست نیاورند، اندک اندک از عرصه حذف می‌شوند و اغلب آثار همراه با اندیشه نظام جمهوری اسلامی به این پدیده دچار می‌شوند.

نگاه استراتژیک یا راهبردی، آینده‌های دور را می‌بیند و ناظر به آن دست به آفرینش‌های هنری می‌زند. وقتی شما چنین نگاه کلان‌نگری ندارید و همه چیزِ سینمای‌تان موکول به روزمرگی است، قطعا سینمای استراتژیک هم نخواهیم داشت.



برگزیده‌های نقاشی «سرزمین افسانه‌ها»

همزمان با فرارسیدن دومین جشنواره ملی نقاشی کودکان و نوجوانان چین و ایران، کتاب آثار برگزیده و شایسته تقدیر اولین جشنواره نقاشی با عنوان «سرزمین افسانه‌ها» با همکاری مدیریت آفرینش‌های ادبی و هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و درخواست سفارت جمهوری خلق چین منتشر شد. براساس تفاهم‌نامه منعقد شده بین کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و سفارت جمهوری خلق چین در سال ۱۴۰۱، جشنواره ملی نقاشی کودکان و نوجوانان با عنوان سرزمین افسانه‌ها برگزار شد. تعداد آثار دریافتی از اعضای مراکز فرهنگی و هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و شرکت‌کنندگان آزاد در بخش کودک (هفت تا ۱۱ سال) ۳۰۱ اثر و در بخش نوجوان (۱۲ تا ۱۶ سال) ۱۲۶ اثر و درمجموع ۴۲۷ اثر بوده است. در این جشنواره، ۱۲ اثر برگزیده و ۱۰ اثر شایسته تقدیر در بخش کودک و نوجوان اعلام شد. حدود ۴۸ اثر برای شرکت در نمایشگاه انتخاب و درمجموع ۷۰ اثر نمایش داده شد.



جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی در یزد

بیست‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به میزبانی شهر یزد و با حضور قصه‌گویانی از سراسر ایران و کشورهای دیگر از ۲۷ تا ۳۰ آذر برگزار می‌شود. جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی در بخش‌های مختلف کلاسیک و مدرن، آیینی سنتی، قصه‌گویی با زبان اشاره، قصه‌های ۹۰ ثانیه و قصه‌گویی بین‌المللی برگزار می‌شود.

همچنین چهار بخش جدید با عنوان قصه‌های ویژه سردار سلیمانی، لبخند، کودکان غزه و نیروی انتظامی برای اولین بار در جشنواره اجرا می‌شود. براساس آمار دبیرخانه جشنواره در این دوره ۱۷ هزار قصه‌گو مشارکت داشتند و داوری بخش بین‌المللی بین کشورهای ترکیه، آفریقای جنوبی، آرژانتین، هند، اسکاتلند، کنیا، انگلیس، مالزی، اوگاندا، تانزانیا و... انجام خواهد شد. محورهای اصلی این جشنواره قصه‌های آزاد، قرآنی، دینی و مذهبی، نامداران و روایت اراده است. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان امسال این جشنواره را با رویکرد مردمی‌سازی و عمومی‌سازی قصه‌گویی با شعار «با قصه لبخند بسازیم» همزمان با شب یلدا برگزار می‌کند.

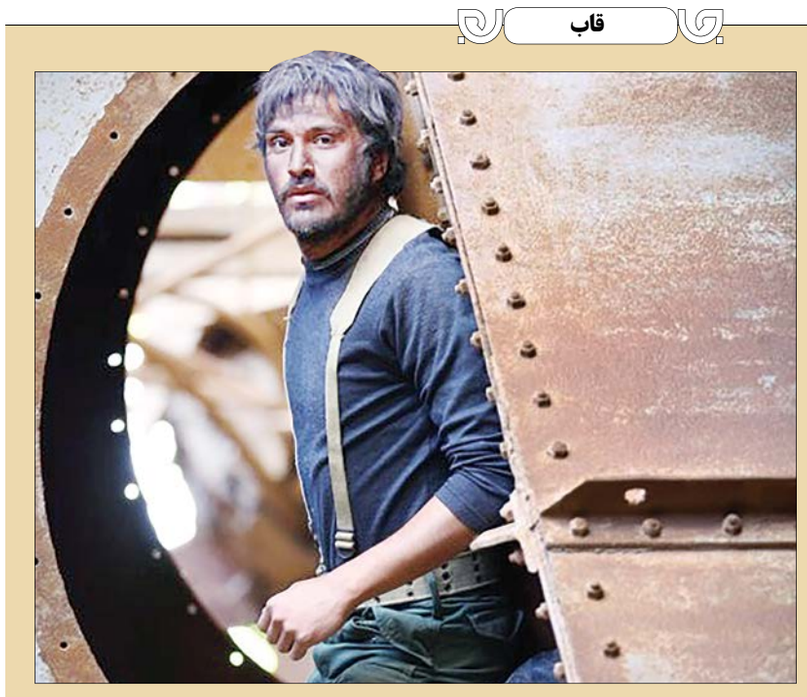

میلاد کی‌مرام در نقش شهید شیرودی

فیلم «آسمان غرب» با محوریت رشادت‌های شهید شیرودی و با بازی میلاد کی‌مرام به روزهای پایانی فیلمبرداری خود رسیده است. این فیلم دومین تجربه کارگردانی محمد عسگری پس از «اتاقک گلی» محسوب می‌شود.

این فیلم در کرمانشاه فیلمبرداری می‌شود و به تهیه‌کنندگی حبیب والی‌نژاد در حال ساخت است. آسمان غرب که احتمالا نامی موقت برای این فیلم است، محصولی از سازمان سینمایی سوره و بنیاد سینمایی فارابی است. در فیلم آسمان غرب که بیشتر راوی اقدامات شهید شیرودی در زمان جنگ است، میلاد کی‌مرام در نقش شهید شیرودی بازی کرده است.